



حسن رسولى

سرشناسه	: رسولی، حسن، ۱۳۶۳-
عنوان و نام پدیدآور	: چند صدا از بی صدایی ام / حسن رسولی.
مشخصات نشر	: تهران: حسن رسولی، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۶۷ ص.
شابک	: 978-622-8244-02-0
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا
رده بندی کنگره	: ۸۲۴۵PIR
رده بندی دیویی	: ۶۲/۱۴۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۴۵۴۴۵۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: قیفا

www.ketab.ir

چند صدا از بی صدایی ام

مؤلف: حسن رسولی

ناشر: انتشارات حسن رسولی

طراح جلد: سپیده سمیرا حسینی

صفحه آرا: مسعود سلیمانی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۲۴۴-۷۹-۲

قیمت: ۱۲۰,۰۰۰ تومان

© کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای نویسنده محفوظ است.

پیش نگاه

هدف شعر در هر از مجموعه‌های تاریخ و ضاییت خاطر مخاطب بوده و شاعر در شعر خود علاوه بر هدف، یک جامعه‌ی هدف هم داشته است. جامعه‌ی هدف به معنی آن گونه جامعه‌ای است که از حیث فکری، اخلاقی، زبانی، فرهنگی، کاشت و باورداشت و سلیقه شخصی- فردی و علایق اجتماعی- فرهنگی با خود شاعر وجه اشتراک دارد.

یک تناسب فکری و هم پوشانی فرهنگی فی مابین این جامعه و شاعر وجود دارد که این مهم جامعه‌ی هدف این دو را تشکیل می‌دهد. شعر می‌تواند تک صدایی و یا پلی فونی (چند صدایی) باشد.

فرهنگ کلمات در شعر به گونه‌ای است که این کلمات از مفاهیم هایی چند وجهی بهره مند شده‌اند و کار شاعر کشف و استخراج همین مفاهیم در قالبی

شاعرانه است. دیگر مهم، «دیگری در متن است». دیگری در متن مهم ترین موضوعی است که بایستی در شعر شاعر لحاظ شود که این فرآیند شاعر را به دمکراسی واژگان نزدیک تر می کند. من به حرمت واژگان در شعر اعتقاد راسخ دارم و هر واژه ای در یک سطر سهمی به سزا و بُراهِمیت و هویت، چه از حیث کاربرد و چه کارکرد و معنا دارد و واژگان دنیایی آکنده از مفاهیم و مصادیق اند که در جهان شعر جایگاه خاص خود را در جامعه ایفا می کنند به طوری که کار شاعر کار کشیدن از واژگان در جهت نیل به یک سُرایش و بایش ناب و فاب است.

دیگر نکته شعر بی مخاطب است. شعر با مخاطب داریم و شعر بی مخاطب. شعر با مخاطب بی مخاطب است که تعیین کننده ی رویکرد، عملکرد و سلیقه ی آن، خود مخاطب است و به این دلیل از شعر، شعر مردمی می گویند. همراهی مخاطب با شعر یک امر ضروری و حیاتی است و این مهم در جامعه ی ما متداول و مرسوم است اما گاهی شعر بی مخاطب است و در واقع در درون خود زیست می کند و تا مدت عدیدی مخاطب و شنونده ندارد که این گونه از شعر از آن نمونه هایی محسوب می شود که می تواند در دو حالت ظاهر شود:

نخست: شعری آوانگارد است که نسبت به حال و هوای جامعه ی حال جلوتر و غریب تر است و بایستی مدت زیادی از عمر آن سپری شود تا که جایگاه خصوصی و پایگاه عمومی خود را به دست آورد. دوم: آن گونه شعری است که

به لحاظ اوضاع سیاسی- اجتماعی موجود در جامعه، قدرت تابندگی و
 پایداری خود را به دلایلی برگزیده ی جامعه ندارد و ممکن است برای همیشه
 حذف و یا مهجور بماند. به هر روی درباره ی گفتمان شعر بسیار گفته اند و
 فراوان نوشته اند اما هر شعری از یک پس نگاه و یک پیش نگاه از جانب
 سراینده بهره مند شده که اگر شکل آن گریز از روال عادی را از حیث زبان و
 تصویر و معنا برگزیده باشد و یا شمایی زبان ستیز، معناگیز و ضد تصویر را به
 ترسیم بکشد بی گمان مخاطب خود را کسب خواهد کرد. بیش از منظور اصلی
 را گفتن- کم تر از منظور اصلی را گفتن و خلاف منظور اصلی را گفتن از صنایع و
 بدایع تکنیکال در شعر به شاعر بایستی به این هانیز التفات داشته باشد و
 چنین روندی به روندگی زبان و شعر کمکی بایسته و شایسته می کند. با
 این تفاسیر، دفتر شعر: «چند صدایی بی صدایی ام» کاری است از حسن
 رسولی که قبل از این دفتر شعر ما شاهد سرایش صدایی های دیگری از این
 نویسنده و شاعر بوده ایم که در قالب کتاب منتشر شده اند و اصولی رسولی در
 بی صدایی کلمات صداهایی را خلق می کند که طعم و مزه ی معنا و مفهوم
 توأم با احساس و عاطفه را به همراه دارند.

شعر رسولی زبانی ساده و سلیس و بی آرایش دارد که مخاطب می تواند به
 آسایش زبان هم دست یابد. سراینده در شعر به دنبال ترسیم شمایی از جامعه
 است و تلاش دارد تا که خودش را با خویشتن جامعه ی هدف خویش آشتی



دهد. شعر رسولی ریتمیک و آهنگین است و فرهنگ واج آرایی، سجع و جناس درشمایله خاصی در سطرها پیدا و هویدا است. اگر چه رسولی در اشعارش درجهائی به وزن و معنا نیز، التفات دارد اما اغلب مخاطبان شعر رسولی کسانی اند که به سببل ها، آوا و ریتم بیشتر از معنا و وزن علاقه و علقه دارند. با کلمات به خوبی در میدان شعر بازی می کند و در بطن و گنه همین کلمات مدلول هایی جامعه خواه را کشف و استخراج می نماید.

به هر روی، هر شاعری مخاطب خاص خود را دارد و خود سُرایی آن با استعانت از مؤلفه های طبیعت و جامعه به دایره ی سُرایش و بایش آمده که این فرایند شاعری نیز ریشه و پیشه در هم زادپنداری و هم ذات پنداری شاعر با طبیعت و جامعه را می طلبد. شاعر تابع کلمات است و کلمات و نشانه ها تابع طبیعت و جامعه و به همین جهت است که می گویند: «شعر تولیدی اجتماعی است».

نوشتن کار نویسنده است و سُرایش کار سُرایی و عملکرد این دو نیز متفاوت است زیرا که کلمات در شعر می رقصند اما در نثر راه می روند. پس تا می نویسیم و می سُراییم رونده و رقصنده و زنده هستیم. دیگر نکته، تغییر زبان و جهان بینی است. فکر می کنم رسولی هنوز درمسیردیروز در جاده ی شعر تاخت و تاز می کند و سبک و نوع نگارش و شیوه و روش نوشتاری آن هنوز با دو پاره گی ها و دوبارگی ها تصادم دارد که برای نیل به سبک و زبانی ثابت و امروزی تر بایستی با

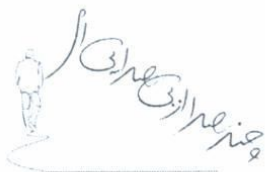


تغییر کلمات و جهان بینی به یک: «یک پارگی مستقل» دست یابد. بی قلم باش
انسان که بی را که برمی داری: «قلم» می شود.

با مهر بسامد و سرآمد

عابدین پایی (آرام)

www.ketab.ir



فهرست اشعار

۱۳	خروسک ملوس خروسک
۱۶	اوج اشک، موج
۲۰	لک لک های بی لک
۲۱	باران بی ران، ایران
۲۴	عریانی لباسی سطر
۲۶	من + حتن + م تو
۲۸	سرریزان عشق
۲۹	گوشت خوار

- ۳۱.....مردی بر طناب سحرگاه
- ۳۲.....رقصی در نور ماه
- ۳۳.....فر یادِ با یاد.....
- ۳۴.....هنوز چکاوکی چامه می خواند.....
- ۳۵.....ساعت بی زنگ.....
- ۴۰.....عاشقانه ای برای تو.....
- ۴۲.....لب‌های سحرگاهان جان.....
- ۴۹.....کوسه خوش‌نشین.....
- ۵۱.....در حبس کلمات.....
- ۵۳.....رنگی از آهنگِ رنگ.....
- ۵۶.....کافه‌گردی در پیابانِ خیابان.....
- ۶۰.....شق شق عشق.....
- ۶۴.....بی باغ‌گل.....
- ۶۶.....کرشمه بر گونه ی خود.....

